

گفت وگو با دکتر محمدعلی آذرشب
درباره سلوک فرهنگی آیت‌الله واعظ زاده

پرچمدار تقریب

آیت‌الله واعظ زاده معتقد بود
آینده از آن تقریب است

علی امینی

دکتر محمد علی آذرشب، استادتمام دانشگاه تهران و رایزن سابق فرهنگی ایران در سوریه، از جمله شاگردان و همکاران آیت‌الله محمد واعظ زاده است که از ابتدای تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی توسط آیت‌الله واعظ زاده، با ایشان همراهی و همکاری داشته است. به این اعتبار، حرف‌ها و نکته‌های قابل تأملی از آیت‌الله واعظ زاده دارد که در این گفت‌وگو برای ما نقل کرده است.



آشنایی و ارتباط ایشان با رجال تقریب چگونه شکل گرفت؟

می‌دانید که مجله رساله‌الاسلام که در قاهره منتشر می‌شد، هم به شخصیت‌های برجسته تقریب اهمیت می‌دهد و هم به حوادثی که در جهان اسلام پیش می‌آید. ایشان می‌گفتند شماره یک تا آخرین شماره‌ای که صادر شده بود را می‌خواندم و از همانجا با رجال تقریب و حوادث جهان اسلام آشنا شدم. از همان موقع هم دیدگاه ایشان به مسائل تقریب و جهان اسلام به صورت فرامرزی و فراجناحی و فرامذهبی شکل گرفت. ایشان دنبال یک محدوده مذهبی نبود، بلکه دنبال اسلام با تمامی مذاهبش بود. به همین دلیل، تغییر مهمی در وجود ایشان ایجاد شد. تا جایی که من اطلاع دارم از سال ۱۳۵۰ ایشان در مسائل تقریب فعالیت‌های برجسته‌ای داشت.

شما در کنگره شیخ طوسی که آیت‌الله واعظ زاده برگزار کرده بود، شرکت داشتید؟

بله، کنگره شیخ طوسی بزرگ‌ترین کنگره تقریبی است که تاکنون در ایران و در مشهد و در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شده است که شخصیت‌های برجسته‌ای نیز از ایران شرکت کرده بودند، مانند شهید مرتضی مطهری و آیت‌الله کمره‌ای و علمای بزرگی از اندونزی، پاکستان، شمال آفریقا و مصر. این کنگره، یک کنگره بین‌المللی بسیار مهم بود و کل مقالاتی که در آنجا ایراد شد در سه جلد کتاب به عربی و فارسی منتشر شده است.

ایشان به این مسئله ایمان داشت که جهان اسلام باید متحد شود و تا این اتفاق نیفتد ضعف‌ها و توطئه‌ها علیه جهان اسلام بویژه این غده سرطانی یعنی اسرائیل، ادامه پیدا خواهد کرد. پس امت اسلامی باید متحد شود و یکی از راه‌های اتحاد، وحدت مذاهب اسلامی است.

جناب دکتر آذرشب، سلوک فرهنگی آیت‌الله واعظ زاده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

علامه واعظ زاده شخصیتی است که من نامشان را «شیخ‌التقریب» می‌گذارم. اخیراً نیز یکی از دوستان در مشهد کتابی نوشته است با عنوان شیخ‌التقریب و آن را به من هدیه داد و گفت، نام این کتاب را از اسمی وام گرفتیم که شما به آیت‌الله واعظ زاده داده‌اید.

ایشان دارای دو خصلت ویژه بود: نخست اینکه به تقریب ایمان داشت؛ یعنی تقریب برای او آرمان بود نه دکان. ایشان از همان نوجوانی با طرح تقریب بین مذاهب اسلامی به عنوان یک آرمان زندگی کرد.

به دلیل فشارهایی که در دوره رضاشاه به خانواده‌های مؤمن و متدین وارد می‌شد، بسیاری از آنان از ایران مهاجرت کردند. علامه واعظ زاده نیز به همراه پدرشان عازم نجف شد و دروس مقدماتی را در همان‌جا گذراند و دیدگاه ایشان از همان‌جا شکل گرفت؛ زیرا وقتی انسان فقط در محل تولدش زندگی کند و از آنجا خارج نشود، در حصار همان محل قرار می‌گیرد ولی وقتی خارج می‌شود نگاهش هم تغییر خواهد کرد. به قول علامه امینی که به علمای قم خطاب می‌کند و می‌گوید با گفتمان قوم صحبت کنید، نه با گفتمان قم. منظور ایشان از «قوم» این است که گفتمان باید خارج از مرز باشد، خارج از محدوده زندگی خودتان باشد. به نظرم اولین مرحله در زندگی علامه واعظ زاده، رفتن ایشان به نجف به همراه پدرشان و خارج شدن از محدوده زندگی‌شان بود. عجیب‌تر آنکه از ایشان شنیدم (البته بعد از آمدن به مشهد) که می‌گفت برای پدرم از قاهره مجله رساله‌الاسلام می‌فرستادند.

برای پدر آقای واعظ زاده؟

بله، پدر واعظ زاده.

